

## Rules for living 1

You can learn a lot of English.

شما میتوانید خیلی زیاد انگلیسی یاد بگیرید.

I like this workshop.

من این کارگاه/ ورکشاپ را دوست دارم.

This workshop is very useful.

این ورکشاپ خیلی مفید است.

It's very practical.

خیلی کاربردی است.

I wanna teach you rules.

من میخوامم به شما قوانین آموزش دهم.

This workshop is very interesting/ exciting.

این ورکشاپ خیلی جالب/ هیجان انگیز است.

This workshop is very intriguing and useful.

این ورکشاپ خیلی جذاب و مفید است.

You will enjoy and you will learn about life.

شما لذت خواهید برد و شما درباره زندگی یاد خواهید گرفت.

I teach you words.

من به شما لغات درس میدهم.

You come to my workshop/ class/live programs.

شما به ورکشاپ/ کلاس/ برنامه های زنده من می آیید.

And you learn words / idioms and expressions/ sentences/ phrases.

و شما لغات / اصطلاحات / جمله ها / عبارات یاد میگیرید.

Life rules!

قواعد زندگی.

The rules of life!

قواعد/ قوانین زندگی.

I wanna teach you the rules of life.

من میخواهم به شما قواعد زندگی را آموزش بدهم.

How to live!

چطور زندگی کنید.

How to succeed!

چطور موفق شوید.

Why are we living?

چرا ما داریم زندگی میکنیم؟

You are alive.

تو زنده هستی.

You are not dead.

تو مرده نیستی.

You are breathing.

تو داری نفس میکشی.

You are walking/ talking/ dancing/ eating.

تو داری راه میروی/ صحبت میکنی/ میرقصی/ غذا میخوری.

It has reasons.

دلایلی دارد.

Your life is not useless.

زندگی تو بی فایده نیست.

My life is of no use.

زندگی من بی ثمر است.

My life is not good.

زندگی من خوب نیست.

I'm not happy.

من شاد نیستم.

The life has rules.

زندگی قواعد دارد.

The life has laws.

زندگی قوانین دارد.

The time you are walking/ rocking/ talking/ dancing/ eating/ drinking!

زمانی که شما داری راه میروی/عالی پیش میروی/ صحبت میکنی/ میرقصی/ غذا میخوری/ مینوشی.

Everything is accidental.

همه چیز تصادفی است.

It's not like this.

اینطور نیست.

You are living/ eating/ dancing/ singing/ reading books/ working/ studying.

تو داری زندگی میکنی/ میرقصی/ آواز میخوانی/ کتاب میخوانی/ کار میکنی/ تحصیل میکنی.

Everything is going.

همه چیز دارد جلو میرود.

Everything is moving.

همه چیز دارد حرکت میکند.

It's not simple/ easy.

ساده/ راحت نیست.

You are trying hard.

تو داری به سختی کار میکنی.

How is your future?

آینده تو چگونه است؟

Speak about your future!

درباره آینده ات صحبت کن.

About your acceleration!

درباره شتابت.

About your job/work!

درباره شغلت.

Obedience rule!

قاعده اطاعت.

The rule of happiness!

قاعده شادی.

The rule of prosperity!

قاعده خوشبختی.

The rule of passing and forgetting everyone and everything!

قاعده گذشتن و فراموش کردن همه کس و همه چیز.

Improve your vocabulary!

دایره لغت را بهبود بده/ بالا ببر.

Gradually!

تدریجا

Step by step

قدم به قدم.

Little by little!

کم کم .

You can learn phrases.

تو میتوانی عبارات را یادگیری.

You are learning English.

تو داری انگلیسی یاد میگیری.

Because English is a need/ must!

زیرا انگلیسی یک نیاز/ باید است.

Why are you learning English?

چرا داری انگلیسی یاد میگیری؟

This is my question.

این سوال من است.

You have to ask it from yourself.

تو باید این را از خودت بپرسی.

Go to the mirror.

برو جلوی آینه.

Hello to you!

سلام علیکم .

I am learning English.

من دارم انگلیسی یاد میگیرم.

Why am I learning English?

چرا من دارم انگلیسی یاد میگیرم؟

The answer is clear.

جواب مشخص است.

Because English language is a need!

زیرا زبان انگلیسی یک نیاز است.

And it's a must for everybody/ you/me/ him/ her.

و یک باید است برای همه/ شما/ من / او(آقا)/ او (خانم).

We learn English.

ما انگلیسی یاد میگیریم.

For what?

برای چی؟

For communications!

برای ارتباطات.

For work/ business!

برای کار/ بیزینس.

For development/ improvement/ growth!

برای توسعه/ پیشرفت/ رشد.

For life/ living/ work/business!

برای زندگی/ زندگی کردن/ کار/ بیزینس.

For your job/ future!

برای شغل/ آینده ات.

You cannot stop it.

نمیتوانی جلوی آن را بگیری.

So what?

که چی؟

For what?

برای چی؟

You can go to the embassy.

تو میتوانی به سفارت بروی.

You can migrate/ immigrate to another country.

تو میتوانی به یک کشور دیگر مهاجرت کنی.

You have to speak.

تو باید صحبت کنی.

You have to communicate.

تو باید ارتباط برقرار کنی.

You find a friend.

تو یک دوست پیدا میکنی.

You speak with them.

تو با آنها صحبت میکنی.

This is English.

این انگلیسی است.

Some people believe learning English is hard.

بعضی افراد معتقدند یادگیری انگلیسی سخت است.

They are right.

آنها درست فکر میکنند.

I agree with them.

من با آنها موافقم.

That's a lie.

آن یک دروغ است.

Don't believe it.

باورش نکن.

It's a very big lie.

یک دروغ خیلی بزرگ است.

You have to learn English.

تو باید انگلیسی یاد بگیری.

This is my target.

این هدف من است.

This is my aim.

این هدف من است.



This is my purpose.

این مقصود من است.

This is my intention.

این نیت من است.

I like English.

من انگلیسی را دوست دارم.

This is my goal.

این هدف من است.

It's completely clear.

کاملاً مشخص است.

It's crystal clear.

پرواضح است.

It's obvious.

مشخص/ آشکار است.

You wanna use this language.

تو میخواهی از این زبان استفاده کنی.

You wanna go to the society.

تو میخواهی به جامعه بروی.

You wanna go to your family.

تو میخواهی بروی پیش خانواده ات.

You wanna go to your friends.

تو میخواهی بروی پیش دوستان.

You wanna speak with them.

تو میخواهی با آنها صحبت کنی.

You cannot continue.

تو نمیتوانی ادامه بدهی.

What is the reason?

علت چیست؟

What to say?

چی بگویی؟

How to say?

چطور بگویی؟

Where to say?

کجا بگویی؟

What time to say?

چه زمانی بگویی؟

When to say?

کی بگویی؟

Why to say?

چرا بگویی؟

You are living.

تو داری زندگی میکنی.

You are in the society.

تو در جامعه هستی.

There are a lot of people around you.

افراد زیادی اطراف تو وجود دارد.

Your friends/ relatives/ children/ parents/ siblings!

دوستان/ اقوام/ بچه های/ والدین/ خواهر برادر.

Everybody is around you.

همه دور و بر تو هستند.

You go to your boss/ manager.

تو پیش رییس/ مدیریت میروی.

You go to your teacher.

تو پیش معلمت میروی.

You go to your sister/ father/ mother/ uncle.

تو پیش خواهر/ پدر/ مادر/ دایی یا عمویت میروی.

You are not quiet.

تو ساکت نیستی.

I look at my uncle.

من به عمویم/ دایی ام نگاه میکنم.

You have to make relations.

تو باید ارتباطات ایجاد کنی.

It's not a piece of a cake.

ساده نیست/ مثل آب خوردن نیست.

You know English.

تو انگلیسی را میدانی.

You know a lot of words.

تو لغات خیلی زیادی بلدی.

You know a lot of idioms and expressions.

تو اصطلاحات خیلی زیادی میدانی.

You know a lot of phrases.

تو عبارات خیلی زیادی بلدی.

You can speak a little.

تو میتوانی کمی صحبت کنی.

Do you know English?

انگلیسی بلدی؟

A little!

یک کمی.

My English is not perfect.

انگلیسی من عالی نیست.

My English is not the best.

انگلیسی من بهترین نیست.

I know some English.

من مقداری انگلیسی بلدم.

My English is ok.

انگلیسی من خوب است.

I can speak but not very much.

من میتوانم صحبت کنم اما نه خیلی زیاد.

My English is not excellent.

انگلیسی من عالی نیست.

Mother tongue

زبان مادری

What is your mother tongue?

زبان مادری تو چیست؟

What is your first language?

زبان اول تو چیست؟

My first language is Farsi/Persian.

زبان اول من فارسی است.

I am Asian.

من آسیایی هستم.

I am Iranian.

من ایرانی هستم.

I can speak Farsi/Persian.

من میتوانم پارسی صحبت کنم.

For communication!

برای ارتباط.

We are humans.

ما انسان هستیم.

We need.

ما نیاز داریم.

We need what?

ما به چی نیاز داریم؟

Communications!

ارتباطات.

Feelings!

احساسات.

Relations!

روابط.

Partners!

پارتنرها/ رفقا.

Friends/ relatives!

دوستان/ اقوام.

For success!

برای موفقیت.

You are a stone/ rock.

تو یک سنگی/ صخره ای.

You are a brick.

تو یک پاره آجری.

You learn a language.

تو یک زبان یاد میگیری.

It is your mother tongue.

آن زبان مادری ات است.

It's your first language.

زبان اولت است.

For making relations!

برای ایجاد روابط.

You go to your friends.

تو پیش دوستانت میروی.

You speak with them.

تو با آنها صحبت میکنی.

You communicate with them.

تو با آنها ارتباط برقرار میکنی.

You cannot forget this.

تو نمیتوانی این را فراموش کنی.

We live in a society.

ما در یک جامعه زندگی میکنیم.

We live in a country/ city.

ما در یک کشور/ شهر زندگی میکنیم.

Where is your hometown?

شهر/ دیار تو کجاست؟

My hometown is Hamedan.

شهر/ دیار من همدان است.

I live in Hamedan.

من در همدان زندگی میکنم.

What are you doing?

تو داری چکار میکنی؟

For yourself!

برای خودت.

You wanna make relations!

تو میخواهی ارتباطات برقرار کنی.

You wanna make communications!

تو میخواهی ارتباطات ایجاد کنی.

With whom?

با کی؟

With me/ others!

با من / با دیگران.

With your sisters/ brothers/ uncles and aunts!

با خواهرت/ برادرت/ داییها-عموهایت و خاله ها-عمه هایت/

With niblings/ nephews/ nieces/siblings!

با بچه های خواهر یا برادرت/ پسران خواهر یا برادرت/ دختران خواهر یا برادرت/ خواهران و برادران.

Grandpas/ grandmas/ parents/ colleagues!

پدر بزرگها/ مادر بزرگها/ همکارانت.

You get ill.

تو مریض میشوی.

You go to a doctor/ dentist.

پیش یک دکتر/ دندانپزشک میروی.



I have a stomachache/ headache/ backache.

من یک دل درد/ سردرد/ کمر درد دارم.

The rule of relations!

قاعده ارتباطات.

Pilot/ police officer!

خلبان/ افسر پلیس.

Judge

قاضی

Coach

مربی

Athlete

ورزشکار

It is not a relation.

این یک ارتباط نیست.

Physicians

پزشکان

Lawyers

وکلا

Postmen

پستچی ها

Instructors

اساتید

## Lecturers

سخنرانان

## Psychologists

روانشناسان

Everybody learns English.

همه انگلیسی یاد میگیرند.

It's a common language.

یک زبان مشترک است.

Your first language is Persian.

زبان اول تو پارسی است.

His first language is German.

زبان اول او آلمانی است.

But you learn English.

اما شما انگلیسی یاد میگیرید.

You can speak English together.

شما میتوانید با همدیگر انگلیسی صحبت کنید.

You can build your experience.

تو میتوانی تجربه ات را بسازی.

You speak about your pain.

تو درباره دردت صحبت میکنی.

You speak about your illness.

تو درباره بیماری ات صحبت میکنی.

I have a heartache.

من قلب درد دارم.

I have a lot of pain.

من خیلی زیاد درد دارم.

Where?

کجا؟

In my chest/ head/ back/ foot/ leg/ear!

در سینه ام/ سرم/ کمرم/ پایم/ ساق پایم/ گوشم.

I have a solution for you.

من برای تو یک راه حل دارم.

Don't underestimate this.

این را دست کم نگیر.

You have to obey it.

تو باید از آن اطاعت کنی.

You have to regard it.

تو باید مراعاتش را بکنی.

You have to learn it.

باید آن را یاد بگیری.

You have to educate yourself.

تو باید خودت را آموزش بدهی.

You have to teach yourself.

تو باید به خودت درس بدهی.

Attractive

جذاب

Alluring

جذاب

Wonderful

شگفت انگیز

It's a great rule.

یک قاعده عالی است.

It's a valuable rule.

یک قاعده ارزشمند است.

It's an excellent rule.

یک قاعده عالی است.

I give up.

من تسلیم میشوم.

I cannot go ahead.

من نمیتوانم جلو بروم.

I quit.

من تسلیم میشوم.

It's enough for me.

برای من کافی است.

I'm not in/ game.

من نیستم/ پایه نیستم.

I'm not up for it.

من دیگر نیستم/ من دیگر در این داستان نیستم.

I don't wanna continue.

من نمیخواهم ادامه بدهم.

I'm not down for it.

من برای آن قضیه نیستم.

I wanna say goodbye.

من میخواهم خداحافظی کنم.

I don't wanna be with you.

من نمیخواهم با تو باشم.

Please forget me.

لطفا مرا فراموش کن.

Please forgive me.

لطفا مرا ببخش.

You will learn English.

تو انگلیسی یاد خواهی گرفت.

You will learn life.

تو زندگی یاد خواهی گرفت.

I wanna talk/ speak with you.

من میخواهم با تو صحبت کنم.

My English is poor.

انگلیسی من ضعیف است.

You are at a sandwich place/ pizza place.

تو در یک ساندویچ فروشی/ پیتزا فروشی هستی.

Drug store

داروخانه

Pharmacy

داروخانه

Excuse me, help me.

ببخشید به من کمک کنید.

My prescription!

نسخه من.

Please fill out/ fill up my prescription.

لطفا نسخه مرا بپیچ.

Give me my medicine.

داروی مرا بده.

How are you?

حالت چطور است؟

What is your name?

اسمت چیست؟

Where are you from?

اهل کجایی؟

How old are you?

چند سالت است؟

Are you Iranian?

ایرانی هستی

What is your nationality?

ملیتت چیست؟

I am from Afghanistan/ Pakistan.

من اهل افغانستان/ پاکستان هستم.

Never insult anyone.

به هیچکس توهین نکن.

Break the ice.

یخ را بشکن.

And make a relation.

و یک ارتباط ایجاد کن.

It's very valuable.

خیلی ارزشمند است.

It's very useful.

خیلی مفید است.

You wanna work with me.

تو میخواهی با من کار کنی.

You wanna give me a job.

تو میخواهی شغلی به من بدهی.

Drive for me.

برای من رانندگی کن.

Take me out.

مرا بیرون ببر.

Teach me English.

به من انگلیسی درس بده.

You have an expectation from the doctor.

تو از دکتر انتظار داری.

You need some help.

تو مقداری کمک نیاز داری.

Expectation from your lawyer/ dentist/ teacher/ doctor!

انتظارت از وکیل/ دندانپزشک/ معلم/ دکتر.

Support

حمایت

Consultation

مشاوره

Cure

مداوا

Give me some assistance.

به من مقداری کمک بده.

Judgment

قضاوت

Give me a right judgment.

به من یک قضاوت درست بده.



Give me a right prescription.

به من یک نسخه درست بده.

Cure me.

مرا مداوا کن.

Heal me.

مرا شفا بده.

Verbal relation

ارتباط کلامی

Verbal assistance/ support

کمک/ حمایت کلامی

Eye contact

تماس چشمی

Co-pilot

کمک خلبان

A head coach

یک سرمربی

A physician/ nurse!

یک پزشک/ پرستار

A robot can listen to it.

یک ربات میتواند به آن گوش کند.

There is no feeling.

هیچ احساسی وجود ندارد.

There are no feelings.

هیچ احساساتی وجود ندارد.

There is a word.

یک کلامی هست.

I respect you.

من به تو احترام میگذارم.

I honor you.

من تو را محترم میشمارم.

I cherish you.

من فدای تو میشوم/ خاطرخواه تو هستم.

You are in my heart.

تو در قلب منی.

They are sentences only.

فقط جملات هستند.

They are mere sentences.

آنها صرفاً جملات هستند.

Relation without feeling!

ارتباط بدون حس.

International guy

آدم بین المللی

That's nothing.

هیچی نیست.

That's bullshit.

چرت و پرت است.

That's nonsense.

مزخرف/ بی معنی است.

They can work.

آنها میتوانند کار کنند.

Speak/ talk with me.

با من صحبت کن.

Support me.

مرا حمایت کن.

Give me feelings.

به من احساسات بده.

You have a question.

تو یک سوال داری.

Come to me.

پیش من بیا.

It's dead.

مرده است.

It's canceled.

کنسل شده است.

It's useless.

بی فایده است.

You cannot continue.

تو نمیتوانی ادامه بدهی.

Go and learn a language.

برو و یک زبان یاد بگیر.

This language is the best language.

این زبان بهترین زبان است.

Because this language is international!

زیرا این زبان بین المللی است.

You need English for communication outside.

تو انگلیسی را برای ارتباط بیرون لازم داری.

For example you go to the US.

برای مثال تو به آمریکا میروی.

Russia/ Belgium/ Norway!

روسیه/ بلژیک/ نروژ

And you speak English and the people can understand you.

و تو میتوانی انگلیسی صحبت کنی و مردم میتوانند تو را بفهمند.

They can speak with you.

آنها میتوانند با تو صحبت کنند.

They can communicate with you.

آنها میتوانند با تو ارتباط برقرار کنند.

Many teachers and lecturers and instructors!

خیلی از معلمها و اساتید.

They believe that.

آنها آن را باور دارند.

It's a mechanical/ robotic communication.

یک ارتباط مکانیکی/ رباتیکی است.

Parrot like relation making!

ایجاد ارتباط طوطی وار.

Two radios are talking together.

۲ رادیو دارند با هم دیگر صحبت میکنند.

A satellite and a television/ radio!

یک ماهواره و یک تلویزیون / رادیو.

A cooler and a laptop!

یک کولر و یک لپ تاپ.

I don't believe it.

من به آن اعتقاد ندارم.

Sometimes smile/ laugh/ pause/ stop.

بعضی اوقات لبخند بزن/ بخند/ مکث کن/توقف کن.

Show anger/ surprise/ sadness/ happiness!

خشم/ تعجب/ غم/ شادی نشان بده.

Relation plus happiness/ sadness/ surprise/ anger!

ارتباط بعلاوه شادی/ ناراحتی/ تعجب/ خشم.

The other party!

نفر بعدی.

The listener party can understand/ feel/ communicate with you!

فرد گوش کننده میتواند تو را بفهمد/ احساس کند/ با تو ارتباط برقرار کند.

It's very odd /weird / strange.

خیلی عجیب و غریب/ عجیب/ عجیب است.

It's very intricate.

خیلی پیچیده است.

Complicated

پیچیده

Complex

مجموعه

Different elements!

المان های مختلف.

A lot of elements!

المان های خیلی زیاد.

It's a package/phenomenon.

یک پکیج/ پدیده است.

We have different ideas and different outlooks!

ما نظرات مختلف و نگرش های مختلف داریم.

Some believe success means money.

بعضی ها اعتقاد دارند موفقیت پول معنی میدهد.

Migration

مهاجرت

Devotion

از خودگذشتگی

Dedication

فداکاری

Negativity

منفی گرایی

Negativism

منفی گرایی

Stupidity

حماقت

Craziness

دیوانگی

He cannot go ahead/ progress.

او نمیتواند جلو برود/ پیشرفت کند.

He kills innocent people.

او مردم بیگناه را میکشد.

He is faulty.

او مقصر است.

He is guilty.

او گناهکار است.

He is not aware of this.

او از این آگاه نیست.

He is ignorant.

او نادان/ جاهل است.

Bloodshed

خون و خونریزی

Innocent people

مردم بیگناه

Killings

کشت و کشتار

Murder

قتل

Slaughter

آدم کشی/ قتل عام

Common feeling

حس مشترک

The root is the same.

ریشه شبیه همان است.

The stem is the same.

ساقه شبیه همان است.

Night owl

خفاش شب

ISIS

داعش



His thinking

تفکر او

Domestic

داخلی

He is another person.

او فرد دیگری است.

His personality changes!

شخصیت او تغییر میکند.

His role changes!

نقشش عوض میشود.

He is different person.

او فرد متفاوتی است.

He is murderer.

او قاتل است.

He is man slaughter.

او آدمکش است.

He believes in bloodshed.

او به خون و خونریزی اعتقاد دارد.

He seems kind and kind-hearted.

او مهربان و خوش قلب به نظر میرسد.

You are good to me.

تو با من خوبی.

You are my friend.

تو دوست منی.

You speak with me.

تو با من صحبت میکنی.

You love me.

تو مرا دوست داری.

You appreciate me.

تو برای من ارزش قائل میشوی.

You honor me.

تو مرا محترم میشماری.

You don't dis me.

تو به من توهین/ بی احترامی نمیکنی.

You are another person.

تو فرد دیگری است.

You become a bad/ wrong person.

تو فرد بد/ اشتباهی میشوی.

Turning point

نقطه عطف

Primary school

مدرسه ابتدایی

Junior school/ middle school

مدرسه راهنمایی

High school/ senior school

دبیرستان

Universities/ colleges

دانشگاه ها / کالج ها

Academic centers

مراکز آکادمیک

Educational centers

مراکز آموزشی

Belief

اعتقاد/ باور

Which are your values?

ارزشهای شما کدام هستند؟

Whom do you respect?

به چه کسی احترام میگذارید؟

What do you respect?

به چه چیزی احترام میگذارید؟

What are your values?

ارزشهای شما چه چیزهایی هستند؟

This is my belief.

این اعتقاد من است.

It's a bridge to start.

یک پل برای شروع است.

If you don't have this bridge, you cannot go ahead.

اگر تو این پل را نداشته باشی تو نمیتوانی ادامه بدهی.

You cannot continue.

تو نمیتوانی ادامه بدهی.

We teach like this.

ما اینطور آموزش میدهم.

We learn like this.

ما اینطور یاد میگیریم.

Commander

فرمانده

Good for/on you!

آفرین به تو.

Well-done!

آفرین

You are my hero.

تو قهرمان منی.

This is your prize.

این جایزه توست.

This is your award.

این پاداش توست.

This is your present/gift.

این هدیه توست.

I will go to heaven.

من به بهشت خواهم رفت.

I will go to the paradise.

من به بهشت خواهم رفت.

You go to the hell.

تو به جهنم میروی.

That's his belief.

آن اعتقادش است.

Feeling of satisfaction

احساس رضایت

Feeling of joy

احساس شادی

That's wrong.

آن اشتباه است.

That's a big mistake.

یک اشتباه بزرگ است.

That's a boo-boo.

یک سوتی است.

Judge about this!

درباره این قضاوت کن.

You can talk.

تو میتوانی صحبت کنی.

You have to talk.

تو باید صحبت کنی.

You are silent/ quiet.

تو ساکت هستی.

You say nothing.

تو هیچ چیز نمیگی.

This is very bad.

این خیلی بد است.

If you are a good person!

اگر آدم خوبی باشی.

If you are an international person!

اگر یک آدم بین المللی باشی.

If you are honest!

اگر صادقی.

If you are not a man killer!

اگر یک آدمکش نیستی.

You don't hurt others!

به دیگران آسیب نمیزنی.

You don't injure others.

دیگران را زخمی نمیکنی.

You don't kill others.

دیگران را نمیکشی.

You are pious.

تو پاک / دیندار / متقی هستی.

You are pure.

خالص هستی.

You don't bother/ annoy others.

دیگران را اذیت نمیکنی / آزار نمیدهی.

You are a good person.

تو فرد خوبی هستی.

You are happy/ prosperous.

تو خوشبختی.

That's the danger.

آن خطر است.

The feeling is wrong because the belief is wrong.

حس اشتباه است چون اعتقاد اشتباه است.

It's a special subject.

یک سوژه خاص است.

Special topic

موضوع خاص.

You learn English/ words/ ideas/ new things.

شما انگلیسی / لغتها / ایده ها / چیزهای جدید یاد میگیرید.

It's a lesson full of life.

یک درس پر از زندگی است.

And full of livings!

و پر از زندگی ها.

It was my pleasure.

باعث افتخار / خوشحالی من بود.

God bless you.

خدا به شما برکت بدهد.

This is the end of workshop lesson 1.

این پایان ورکشاپ درس ۱ است.

Wish you success!

برای شما آرزوی موفقیت دارم.

Wish you happiness!

برای شما آرزوی شادی دارم.

Wish you long life!

برای شما آرزوی زندگی طولانی دارم.

Good bye and good luck.

خداحافظ و موفق باشید.